

# صحیح و عمم (۲۵)



پیشخوان

مبنای دوم : مبنای مرحوم اصفهانی

توضیح مبنای مرحوم اصفهانی توسط حضرت امام

ما می گوئیم

اشکال مرحوم بجنوردی بر محقق اصفهانی

ما می گوئیم

اشکال حضرت امام بر محقق اصفهانی

جمع بندی فرمایش مرحوم اصفهانی

تفاوت کلام مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی

مبنای سوم : مبنای مرحوم عراقی

جامع یا جامع **ذاتی مقولی** است و یا جامع **عنوانی اعتباری** است و هر دو غلط است

جامع عنوانی اگر چه ممکن است بگوییم موضوع له لفظ صلوة عنوان ناهی است  
ولی لازمه این حرف آن است که بگوییم صلوة یعنی ناهی  
و اگر به معنوی می گوییم صلوة، مجاز است چراکه عنوان غیر از معنوی است

**جامع عنوانی**، مثل جامع مقولی نیست یعنی عنوان متحد با معنوی نیست ولی جامع مقولی متحد با افراد است.  
در حالیکه اطلاق صلوة بر معنوی، بالضرورة حقیقت است

اضف إلى ذلك اینکه بسیار سخیف است اگر بخواهیم بگوییم صلوة وضع شده برای عنوان «**ناهی**»

اما اگر بگوییم موضوع له **جامع مقولی** است:

مشکل اینجاست که نماز از مقولات متباینه ای تشکیل یافته و تحت مقوله واحدی نمی گنجد  
لذا چیزی که بخواهد موضوع له برای صلوة باشد، در میان نیست

ماهیات و مفاهیم و معانی هرچه ابهامشان بیشتر باشد، اطلاق و شمولشان بیشتر است به خلاف وجود  
یعنی وجود هرچه اقوی باشد، سعه بیشتری دارد ولی مفهوم هرچه مبهم تر سعه بیشتری دارد

ما می گوئیم: طرح بحث وجود در اینجا دخالتی در مسئله ندارد، بلکه عنایت ایشان به مفاهیم است

اگر ماهیت مورد نظر از زمره حقایق باشد یعنی غیر اعتباریات :  
ابهام ناشی از عوارض است در حالیکه اصل حقیقت محفوظ است

اگر از امور اعتباری باشد به گونه ای که گاه کم می شوند و گاه زیاد :

واضح باید در هنگام وضع، مفهوم را به صورت مبهم - غایة الابهام - لحاظ کند در حالیکه برخی از عناوین و آثاری  
که همیشه همراه آن هستند آن را تعریف کنند

تفاوت این مفهوم مبهم با مفهوم نکره : چراکه در مفهوم نکره، بدلیت اخذ شده است

مرحوم نائینی

ماهیت مورد نظر :

### دیدگاه مرحوم اصفهانی:

موضوع له صلوة نه جامع مقولی است و نه جامع عنوانی  
بلکه صلوة وضع شده برای «مفهومی مبهم» که آثارش آن را معرفی می کنند

ما می گوئیم

## اشکال مرحوم بجنوردی بر محقق اصفهانی

**اگر مراد ایشان، ابهام در ذات ماهیت است: این غیر معقول است**  
**چراکه: ابهام در ماهیت معنی ندارد و ذاتیات قابل تخلف و جایگزینی نیستند**

**مراد از اینکه گفته اند جنس مبهم است:**  
مراد نقصان ماهیت و ابهام در وجود است و نه ابهام در ماهیت. و وقتی جنس دارای ماهیت ناقص نیست، نوع به طریق اولی ماهیت ناقص ندارد

**اگر مراد ایشان از ماهیت مبهمه، مفهوم مبهم است (مفهومی که از نمازهای خارجی انتزاع می شود): این هم غلط است**  
چراکه اگر منشأ انتزاع مبهم نباشد، مفهومی که از آن انتزاع می شود هم مبهم نخواهد بود.  
و چون منشأ انتزاع، امور خارجی معلوم است معنی ندارد، مفهوم مبهم باشد

**اگر مراد از ابهام آن است که در برخی از نمازها، برخی از اجزاء داخل مفهوم هست و در برخی هم داخل در مفهوم نیست:**  
این با **قدر جامع بودن سازگار نیست**

مراد  
مرحوم اصفهانی

مرحوم  
بجنوردی

مراد مرحوم اصفهانی، مفهوم مبهم است

ابهام در مفهوم به معنای آن است که چیزی از آن فهمیده نمی شود و گُنه آن معلوم نیست  
**حال:** گاه ابهام برای متکلم است و گاه برای شنونده و گاه برای هر دو

مراد از  
مفهوم مبهم چیست؟

ما می گوئیم

**دلیل:** از آنجا که محقق اصفهانی می فرماید: واضح، مفهوم مبهم را لحاظ کرده و برای آن وضع کرده است.  
پس معلوم می شود که از دیدگاه ایشان واضح هم مفهوم را نمی شناسد اما ابهام آن به سبب آثار و نتایجش قابل ارتفاع است

**تفاوت با نظریه مرحوم آخوند:**

مرحوم آخوند می فرمود: واضح مفهوم را می شناسد ولی این مفهوم برای ما مبهم است  
مثل اینکه واضح لغت «فشار خون» این ماهیت و مفهوم را می شناسد ولی برای اکثریت شنوندگان و استعمال کنندگان، این مفهوم تنها از طریق آثارش قابل شناسایی است

ابهام در ذات راه ندارد

**توضیح:** یعنی ماهیات مبهم نمی باشند و مفاهیم هم مبهم نیستند  
و اگر به مفاهیم و ماهیات، **مبهم** می گوئیم از این جهت است که مصادیق آنها معلوم نیستند

تنها در فرد مردد ابهام در ذات راه دارد

**ما می گوئیم:** در اینجا هم آن فردی که در خارج است، **ذاتش معین** است  
و اگر برای ما مردد است بین انسان یا فرس، **تردید در انطباق** است و نه در مفهوم.  
حتی مفهوم «**احدهما**» هم مفهومی معین و غیر مبهم است و آنچه نامعلوم است، مصداق خارجی است

پس باید صلوة برای معنایی روشن وضع شده باشد که گاه چهار رکعتی می شود و گاه دو رکعتی؛ حال آن جامع چیست؟



## جمع بندی فرمایش مرحوم اصفهانی

**از دیدگاه ایشان موضوع له صلوه، مفهومی است که :**

می دانیم هست و نمی دانیم چیست اما لوازمی که دارد، آن را معرفی کرده و می شناساند.

و لذاست که اشکال بر مرحوم اصفهانی وارد شود که عرف از لفظ صلوة، معنا و مفهومی را درک می کند در حالیکه با این تقریر باید

بگوییم اصلاً معنای لفظ صلوة معلوم نیست

## تفاوت کلام مرحوم آخوند با محقق اصفهانی

### تفاوت اول

جامع صحیحی از دیدگاه مرحوم آخوند ← امری بسیط است  
جامع صحیحی از دیدگاه محقق اصفهانی ← مرکب از عده امور است

**اللهم الا ان يقال:** مراد اصفهانی آن است که مصادیق آن جامع، مرکب از عده امور هستند و الا خودش امری بسیط است

### تفاوت دوم

دیدگاه مرحوم آخوند ← موضوع له صلوة، مفهوم غیر قابل شناسایی است  
دیدگاه مرحوم اصفهانی ← آن مفهوم فی حدّ نفسه قابل شناسایی نیست ولی با شناخت آثارش، می توان آن را فی الجملة شناخت

### تفاوت سوم

دیدگاه مرحوم آخوند ← واضح، معنا و مفهوم را می شناسد و تنها برای ما این معنا مبهم است  
دیدگاه مرحوم اصفهانی ← برای واضح هم این معنا و مفهوم، مبهم هستند

## جمع بندی کلام مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی

**جامع امری بسیط است که فی حد نفسه قابل شناسایی نیست**

ولی با شناختن آثارش می توان به وجود آن پی برد و آن را فی الجمله شناخت در حالیکه برای واضح این مفهوم، معلوم و معین بوده است

## مبنای سوم: مبنای مرحوم عراقی

مرحوم عراقی هم تلاش کرده اند که جامعی را بنابر صحیح ارائه کنند.  
آنچه ایشان فرموده اند بنابر مبنای ایشان در بحث وجود سعی است که در جای خود آن را رد کرده ایم.  
حضرت امام نیز به شدت بر این سخن تاخته اند و آن را رد کرده اند.

## مبنای چهارم : مبنای مرحوم بروجردی و حائری موسس

**نکته مشترک همه نمازها [ی صحیح] علیرغم همه اختلافات :**

همه آنها **توجهی خاص و خشوعی مخصوص** از ناحیه عبد نسبت به مولا را در بر دارند

این خشوع با اولین جزء نماز، آغاز می شود و تا انتهای نماز موجود است.

این خشوع همانند صورت است برای همه اجزاء و شرائط

پس نماز، نفس اقوال و اوراد - که به تدریج به وجود می آیند - نیست بلکه عبارت است از **توجه عبد به خدا**

این حقیقت (توجه به خدا = صلوة) در همه آنات نماز باقی است

مرحوم  
بروجردی